



# اصول فقه ۲ (حلقه ثانیه)

سطح ۲

## درس ۵۱

استاد: حجت الاسلام والمسلمین علم الهدی  
آموزشیار: آقای محمد جعفری

## مقدمه

در بحث «ظهور تصویری و ظهور تصدیقی» مطالبی در مورد دلالت تصویری و تصدیقی و اقسام دلالت تصدیقیه بیان شد. در این درس همان مطالب اما از نگاه و جهت دیگری تکرار می‌شود. اگر چه می‌توان گفت مباحث این درس از جهتی مبسوط‌تر نیز می‌باشد، اما علت اصلی طرح دوباره بحث این است که برخی از مطالبی که بعد از آن درس مطرح گردیده، با مباحث آن درس تطبیق و بررسی شود. به طور اشاره می‌توان گفت که مقصود از تکرار بحث، تطبیق نظریه تعهد در موارد استعمال جمله‌های ناقص و تام با بحث دلالت تصدیقی می‌باشد.

## متن درس

## تنوع المدلول التصديقي:

عرفنا فيما سبق ان الألفاظ لها دلالة تصورية تنشأ من الوضع، و لها دلالة تصديقية تنشأ من السياق. و الدلالة التصديقية الأولى تشترك فيها الكلمات و الجمل الناقصة و الجمل التامة. و الدلالة التصديقية الثانية على المراد الجدى تختص بها الجمل التامة، و سنخ المدلول التصديقي الأول واحد فى جميع الألفاظ و هو قصد المتكلم إخطار صورة المعنى فى ذهن السامع، و اما سنخ المدلول التصديقي الثانى أى المراد الجدى فيختلف من جملة تامة إلى جملة تامة أخرى. فالجملة الخبرية مثل «زيد عالم» مدلولها الجدى قصد الإخبار و الحكاية عن النسبة التامة التى تدل عليها هيئتها، و الجملة الاستفهامية «هل زيد عالم» مدلولها الجدى طلب الفهم و الاطلاع على وقوع تلك النسبة التامة، و الجملة الطلبية «صل» مدلولها الجدى طلب إيقاع النسبة التامة التى تدل عليها هيئة صل أى طلب وقوع الصلاة فى المخاطب. و يختلف فى ذلك السيد الأستاذ فانه بنى - كما عرفنا سابقا - على ان الوضع عبارة عن التعهد و فرّع عليه ان الدلالة اللفظية الناشئة من الوضع دلالة تصديقية لا تصورية بحتة، و على هذا الأساس اختار ان كل جملة تامة موضوعة بالتعهد لنفس مدلولها التصديقي الجدى مباشرة و قد عرفت الحال فى مبناه سابقا.

## دلالت تصدیقی و اقسام آن

در درس‌های گذشته<sup>۱</sup> در مورد دلالت تصویری و دلالت تصدیقی مطالبی بیان شد و دانستیم که مدلول تصدیقی الفاظ، برآمده از سیاق کلام و مستفاد از حال متکلم است؛ در حالی که مدلول تصویری الفاظ، برآمده از وضع مفردات و هیئات والبتّه مشروط به علم سامع به این وضع می‌باشد.

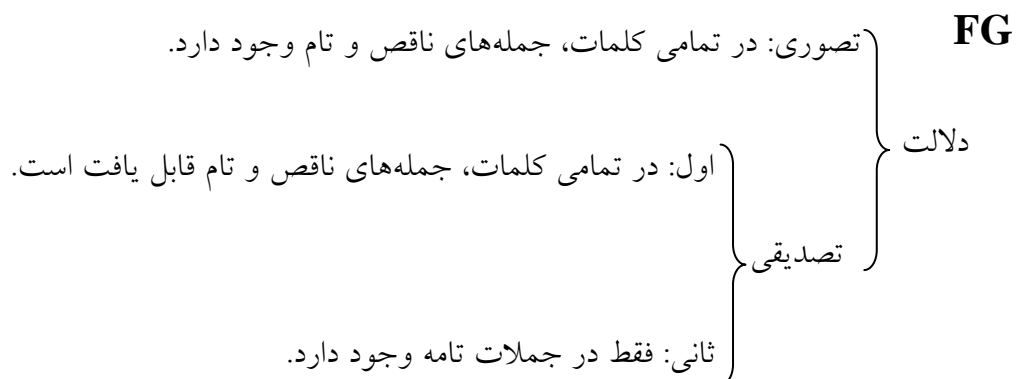
کلمه مفرد، جمله ناقصه، و جمله تامه دارای مدلول تصویری می‌باشند. بنابراین وقتی گفته می‌شود «زید»، تصویری از زید در ذهن ایجاد می‌شود، پس دلالت تصویری شکل می‌گیرد و وقتی گفته می‌شود «زید العالم»، که یک جمله وصفیه ناقصه می‌باشد، تصویری در ذهن مخاطب نقش می‌بندد، پس جمله ناقصه دلالت تصویری دارد. وقتی هم گفته می‌شود: «زید عالم» که یک جمله اسمیه تامه است، باز هم تصویری از زید و علم در ذهن مخاطب نقش می‌بندد. بنابراین دلالت تصویری هم در کلمه مفرد و هم در جمله ناقصه و هم در جمله تامه یافت می‌شود. اما دلالت تصدیقی بر دو قسم می‌باشد:

۱. دلالت تصدیقی اولی؛ این قسم دقیقاً شبیه دلالت تصویری است؛ از آن جهت که هم در کلمه مفرد و هم در جمله ناقصه و هم در جمله تامه قابل یافت است.

۲. دلالت تصدیقی ثانی؛ این قسم بر خلاف دو دلالت قبل، فقط در جملات تامه وجود دارد.

طبق مطالبی که گذشت، آنچه منشأ برای دلالت تصویری است، وضع واضح و علم مخاطب به این وضع می‌باشد. اما دلالت تصدیقی اول، از حال متکلم ناشی می‌شود؛ یعنی از این که مخاطب می‌بیند، گوینده دارای التفات بوده و اراده استعمال دارد و قصد دارد با تلفظ به این لفظ یا الفاظ، معنایی را به ذهن مخاطب خطور دهد؛ پس اگر این الفاظ، از ضبط صوت یا انسانی که خواب است شنیده شود، نمی‌توان گفت دارای دلالت تصدیقی می‌باشد، در صورتی که دلالت تصویری در همین فرض نیز وجود دارد. اما آنچه منشأ می‌شود تا یک جمله تام، دلالت تصدیقی ثانی داشته باشد، این است که متکلم فردی است که علاوه بر التفات و داشتن اراده استعمال، قصد اخبار معنایی به مخاطب خود<sup>۲</sup> را نیز دارا می‌باشد.

به همین علت است که دلالت تصدیقی ثانی تنها در جملات تام یافت می‌شود؛ البته در جملات تام هر سه دلالت وجود دارد.



۱. ر.ک: همین کتاب، فصل «تحدید دلالات الدلیل الشرعی»، الظهور التصوری و الظهور التصدیقی.

۲. و در جملات انشائی، طبق نظر مشهور اصولیون، متکلم قصد ایجاد معنا را دارد.

## تطبيق

عرفنا فيما سبق ان الألفاظ لها دلالة تصويرية تنشأ من الوضع، و لها دلالة تصديقية تنشأ من السياق. و الدلالة التصديقية الأولى تشترك فيها الكلمات و الجمل الناقصة و الجمل التامة. و الدلالة التصديقية الثانية على المراد الجدى تختص بها<sup>١</sup> الجمل التامة

قبلا دانستيم كه الفاظ داراي دلالت تصويري و تصديقي هستند. دلالت تصويري از «وضع» نشأت می گیرد و دلالت تصديقي برآمده از «سياق» است. در دلالت تصديقي اولی، كلمات، جمله‌های ناقصه و جمله‌های تامه، مشترك هستند، ولی دلالت تصديقي دوم بر مراد جدی، مختص به جمله‌های تامه است.

Sco ۱: ۰۵: ۴۸

## فرق دلالت تصديقي اول و دوم

چنان‌که گذشت، الفاظ علاوه بر دلالت تصويريه، می‌توانند داراي دلالت تصديقي اول و نیز دلالت تصديقي دوم باشند.

اگر متکلمي در حالی‌که التفات داشته و داراي اراده استعمال باشد، لفظ یا الفاظی را استعمال کند، این الفاظ داراي دلالت تصديقي اول خواهند بود؛ گرچه معنای این الفاظ در هر موردی متفاوت بوده و بستگی به موارد الفاظی دارد که متکلم استعمال کرده است؛ اما دلالت تصديقي اول، همیشه یکسان و از یک سنخ است و در همه الفاظ، مراد از دلالت تصديقي اول، قصد داشتن متکلم برای اخطار معنا در ذهن شنونده می‌باشد. پس دلالت تصديقي اول در لفظ «زید» و «زید عالم» و جمله «زید عالم» یکسان خواهد بود.

اما سنخ دلالت تصديقي دوم مختلف است. مدلول جدی (مدلول تصديقي ثانی) در جملات خبری این است که متکلم قصد اخبار از مطلبی را دارد؛ یعنی قصد داشته از نسبت تامه بین مفردات این جمله خبر دهد. اما مدلول جدی در جملات انشائی، هم با مدلول جدی جمله خبری متفاوت است و هم در بین خود جملات انشائی (جمله استفهامیه، طلبیه و ....) متفاوت خواهد بود. مثلاً مدلول جدی در جمله استفهامیه عبارت است از طلب فهم و اطلاع از وقوع نسبت تامه‌ای که بین مفردات آن جمله وجود دارد. و در جمله طلبیه مانند: «اضرب»، مدلول جدی، طلب ایقاع و پدید آوردن آن نسبت تامه - که هیئت «اضرب» بر آن دلالت می‌کند - از مخاطب می‌باشد؛ یعنی طلب وقوع ضرب از مخاطب.

## تطبيق

و سنخ المدلول التصديقي الأول واحد في جميع الألفاظ و هو<sup>٢</sup> قصد المتكلم إخطار<sup>٣</sup> صورة المعنى في ذهن السامع، سنخ مدلول تصديقي اول در همه الفاظ یکی است و آن، قصد متکلم برای اخطار صورت معنا در ذهن سامع است. و اما سنخ المدلول التصديقي الثاني أي المراد الجدى فيختلف من جملة تامة إلى جملة تامة أخرى.

١. مرجع ضمير: الدلالة التصديقية الثانية على المراد الجدى

٢. مرجع ضمير: مدلول تصديقي اول

٣. مفعول به «قصد»

اما سنخ مدلول تصدیقی ثانی، یعنی مراد جدی در هر جمله تامه، غیر از جمله تامه دیگر است.

فالجمله الخبرية مثل «زيد عالم» مدلولها الجدی قصد الإخبار و الحکاية عن النسبة التامة التي تدل عليها<sup>۱</sup> هیئتها<sup>۲</sup>، و الجملة الاستفهامية «هل زيد عالم» مدلولها الجدی طلب الفهم و الاطلاع على وقوع تلك النسبة التامة بنابر این مدلول جدی جمله خبری مثل «زيد عالم»، قصد متکلم نسبت به اخبار و حکایت از نسبت تامه‌ای است که هیئت بر آن دلالت می‌کند و مدلول جدی جمله استفهامیه «هل زيد عالم»، طلب فهم و اطلاع از وقوع آن نسبت تامه است. و الجملة الطلبية «صل» مدلولها الجدی طلب إيقاع النسبة التامة التي تدل عليها هیئة صل أى طلب وقوع الصلاة من المخاطب.

و مدلول جدی جمله طلبیه «صل»، طلب ایقاع نسبت تامه‌ای است که هیئت «صل» بر آن دلالت می‌کند؛ یعنی وقوع نماز از جانب مخاطب.

Sco۲:۰۹:۳۰

### مدلول تصدیقی بنابر نظریه تعهد

بنابر آنچه گذشت، دلالت تصدیقی ناشی از سیاق و حال متکلم می‌باشد؛ برخلاف دلالت تصویری که منشأ آن وضع و علم مخاطب به این وضع است. لازم به ذکر است که این مطالب، بنابر مسلک «اعتبار» و مسلک «قرن اکید» می‌باشد.

اما بنابر مسلک «تعهد» که نظریه مرحوم خویی است، این مطلب صحیح نیست. بر طبق این مسلک، دلالت تصدیقی ناشی از وضع می‌باشد. و این‌گونه نیست که دلالت تصویری به تنهایی از وضع ناشی شود، بلکه در ضمن دلالت تصدیقی خواهد بود.

بنابر این مسلک، هر جمله تامی به سبب تعهد مستعمل و واضع<sup>۳</sup>، مستقیماً برای خود مدلول تصدیقی ثانی (مدلول جدی) وضع شده است. علت این مطلب آن است که طبق این مسلک، وضع عبارت از تعهد می‌باشد؛ یعنی این‌که هر مستعملی متعهد می‌شود، این الفاظ را استعمال نکند، مگر آن‌که قصد معنای آن را داشته باشد. به همین سبب، ملازمه‌ای بین استعمال این الفاظ و قصد معنا از سوی گوینده، در ذهن مخاطب شکل می‌گیرد؛ در نتیجه مدلول تصدیقی مستقیماً از وضع و استعمال ناشی می‌شود.

### تطبیق

و یختلف فی ذلك<sup>۴</sup> السيد الأستاذ فانه بنی - كما عرفنا سابقا - علی ان الوضع عبارة عن التعهد و فرّع علیه<sup>۵</sup> ان الدلالة اللفظية الناشئة من الوضع دلالة تصدیقية لا تصویریة بحتة،

<sup>۱</sup>. مرجع ضمیر: النسبة التامة

<sup>۲</sup>. مرجع ضمیر: جمله خبریه

<sup>۳</sup>. طبق این مسلک، هر مستعملی خود، واضع نیز می‌باشد.

<sup>۴</sup>. مشارالیه: این‌که منشأ دلالت تصدیقیه، سیاق کلام و حال متکلم است.

<sup>۵</sup>. مرجع ضمیر: ان الوضع عبارة عن التعهد

نظر استاد ما (مرحوم خوئی) در این مسئله با ما فرق می‌کند؛ زیرا همان‌طور که قبلاً دانستیم، مبنای ایشان این است که وضع، عبارت از تعهد می‌باشد و آنچه بر مبنای ایشان متفرع می‌شود این است که دلالت لفظی ناشی از این وضع، دلالت تصدیقیه می‌باشد، نه دلالت تصویری به تنهایی (یعنی با صرف نظر از دلالت تصدیقی) و علی هذا الأساس<sup>۱</sup> اختار ان کل جملة تامة موضوعة بالتعهد لنفس مدلولها التصديقي الجدی مباشرة و قد عرف الحال فی مبناه سابقاً.

و به همین علت ایشان این گونه قائل شده‌اند که هر جمله تامه‌ای به سبب تعهد مستعمل و واضح، مستقیماً برای مدلول جدی وضع شده است که قبلاً اشکال این مبنا بیان شد.

**Scor: ۲۳:۳**

<sup>۱</sup> یعنی: ناشی شدن دلالت تصدیقی از وضع

## چکیده

۱. مدلول تصدیقی الفاظ، برآمده از سیاق کلام است و مدلول تصویری الفاظ، ناشی از وضع مفردات و هیئات می‌باشد.
۲. کلمه مفرد، جمله ناقصه و جمله تامه، دارای مدلول تصویری می‌باشند.
۳. دلالت تصدیقی اول در کلمات مفرده، جملات ناقصه و جملات تامه وجود دارد، ولی دلالت تصدیقی ثانی فقط در جملات تامه وجود دارد.
۴. دلالت تصدیقی اول همیشه یکسان و از یک سنخ است، اما دلالت تصدیقی دوم متنوع و مختلف می‌باشد.
۵. بر مبنای تعهد، دلالت تصدیقی نیز ناشی از وضع است؛ زیرا هر استعمال که وضع نیز محسوب می‌شود با قصد معنا ملازمه دارد.